



کودک همسری

سبحان الله به هر غمی یار تویی

سبحان الله گشایش کار تویی

(ابوسعید ابوالخیر)

پدیده «کودک همسری» به رغم کاهش چشمگیر، کم و بیش در متن جامعه جریان دارد. همچنان کودکانی در سنین ۱۰ تا ۱۴ سالگی و حتی کمتر از آن به قید زوجیت سپرده می شوند و این درحالی است که ازدواج‌ها لزوماً بین دو کودک نیست و بلکه در بسیاری موارد کودکان به قید زوجیت افراد بزرگسال و گاه میانسال در می آیند. «کودک همسری» هر چند از حیث تاریخی و اجتماعی در باورهای فرهنگی و مذهبی جامعه ما ریشه دارد، لیکن با توجه به تغییر و تحولات بنیادین در برخی باورها و واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... این هنجار دیرینه به تدریج از سوی اخلاق حسنه و نظم عمومی به چالش کشیده شده و از همین رو قانونگذار نیز گاه و بیگاه به این موضوع پرداخته و اکنون نیز طرحی نو در دست بررسی است که یک فوریت آن نیز به تصویب رسیده است. به همین بهانه، در نوشته پیش رو نگاهی مختصر به پدیده‌های توجه به این موضوع شده است.

نگاهی گذرا به تاریخچه تقنینی ازدواج کودکان نشان می دهد که قانونگذار ایرانی در میانه پایبندی به سنت دیرینه یا پذیرش تحولات جدید، هر از چندی یک سو را گرفته و گاهی نیز به افراط و تفریط دچار شده است:

الف. نویسندگان قانون مدنی در سال ۱۳۱۳ بدون آنکه از بلوغ و سن بلوغ برای ازدواج یاد کنند، ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی را در ذیل فصل دوم با عنوان «قابلیت صحی

برای ازدواج» آوردند و دختران کمتر از ۱۵ سال تمام و پسران کمتر از ۱۸ سال تمام را فاقد قابلیت صحتی برای ازدواج اعلام کردند و در مواردی که مصلحت اقتضا می کرد، با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه اجازه ازدواج به دختران ۱۳ ساله و پسران ۱۵ ساله را ممکن شمردند.

ب. در سال ۱۳۵۳ در ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده حداقل سن ازدواج دختران ۱۸ سال و پسران ۲۰ سال اعلام شد و در موارد استثنایی و با رعایت مصالح، امکان اجازه ازدواج به دخترانی که کمتر از ۱۵ سال داشتند نیز داده شد.

ج. در سال ۱۳۶۱ مقنن از شرط «قابلیت صحتی برای ازدواج» عدول کرد و به پیروی از فقه، اولاً- در ماده ۱۰۴۱ ق.م. به تأسیس «بلوغ» روی آورد و این ماده چنین اصلاح شد که: «نکاح قبل از بلوغ ممنوع است». ثانیاً- در تبصره الحاقی همان ماده به پیروی از نظر مشهور در فقه، ازدواج کودک با اجازه ولی حتی قبل از بلوغ، بدون نیاز به اخذ مجوز از دادستان یا محکمه مجاز شمرده شد و بدین ترتیب امکان ازدواج خردسالان یعنی دختران و پسران کمتر از ۹ و ۱۵ سال نیز به وسیله ولی آنان با رعایت مصلحت فراهم شد.

د. صرف نظر از اصلاح ویرایشی ماده ۱۰۴۱ در سال ۱۳۷۰ که تغییر ماهوی در این ماده ایجاد نکرد، تغییر بعدی در سال ۱۳۸۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام رقم خورد و عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از ۱۵ سال تمام شمسی به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح منوط شد. به این ترتیب، ازدواج کودکان کمتر از ۱۳ سال و ۱۵ سال (و حتی کودکان خردسال کمتر از ۹ سال) همچنان شدنی باقی ماند ولی به اذن ولی و با رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه مشروط شد و لذا همچنان ازدواج کودکی ۷ ساله با فردی ۷۰ ساله شدنی و قابل تصور است!!

چنانکه گفته شد، اکنون نیز طرحی برای اصلاح ماده ۱۰۴۱ ق.م. در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است که در آن ضمن افزایش حداقل سن، برای ازدواج دختران بین ۱۳ تا ۱۶ و پسران ۱۶ تا ۱۸ سال افزون بر اجازه ولی و دادگاه، تأیید پزشکی قانونی نیز لازم شمرده شده است.

در داوری برای تعیین سن ازدواج، باید به این نکته توجه داشت که قرارداد ازدواج پایه گذار خانواده است و خانواده نیز یکی از کهن ترین و مهم ترین عناصر زندگی انسانی است. از این رو عقد ازدواج از جهات دینی، ملی، حقوقی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، روانشناسی و... مورد توجه و محل مطالعه است. در غالب جوامع چنین عقدی که در

وراثت و نسل انسانی اثرگذار است، وجهه قدسی نیز یافته و انعقاد آن با آیین و تشریفات مذهبی خاصی همراه شده و ضمن افزودن قواعدی ویژه به آن، از برخی قواعد عمومی قراردادهای نیز استثنا شده است. همین ویژگی های گوناگون و پرشمار سبب شده که بسیاری از مسائل حقوقی این قرارداد و از جمله شرط اهلیت طرفین، با پاسخ های متعدد و گاه متعارض مواجه شود! در یک فرض ممکن است گفته شود قراردادی با این درجه اهمیت و با این سطح تأثیر گذاری از جهات وراثتی، تناسلی و توالدی، ملیتی، احساسی و روانی، اقتصادی، سلامتی، پزشکی و... حد اعلاهی اهلیت باید در نظر گرفته شود تا زوجین به معنای واقعی قادر به درک آثار و تبعات ناشی از این قرارداد مهم باشند. در مقابل نیز می توان گفت رعایت مصالح و نیازهای فردی، اجتماعی، احساسی، روانی، تربیتی و گاهی نیز اجبار ناشی از فقر اقتصادی یا معنوی و... ممکن است ایجاب کند کودکی به قید زوجیت سپرده شود تا از وی حمایت شود و بر همین مبناست که پدیده «کودک همسری» در سنت و تاریخ ما ریشه داشته و به عنوان امری پذیرفته شده در فرهنگ عمومی در آمده است. با این همه و در جمع میان این دو دیدگاه، اگر قانونگذار بتواند هم مصالح را رعایت کند و هم ساحت اخلاق و نظم عمومی را پاس بدارد، هنرمندانه عمل کرده است و این کار بسی دشوار است.

درست است که یکی از کارکردهای ازدواج پاسخ به نیازهای جسمی و روانی است اما این نهاد حقوقی - اجتماعی ابعاد بسیار گسترده تر و پیچیده تری دارد و تعیین فاکتور بلوغ جنسی به تنهایی - صرف نظر از مناقشاتی که در باره ملاک تعیین سن بلوغ وجود دارد - مفید به فایده نیست. برای انعقاد قراردادی با این درجه اهمیت؛ رشد، آگاهی، آموزش، آزادی و قدرت انتخاب و درک مفهوم و آثار و نتایج این قرارداد و بسیاری بایدها و نبایدهای دیگر نیز ضرورت دارد و این همه، الزاماً با بلوغ جسمی همراه نیست. از سوی دیگر لزوم حمایت حقوقی از کودکان (صغار) به عنوان دسته ای از محجورین و گروه های آسیب پذیر، اصلی پذیرفته شده و غیر قابل انکار است. از این رو توجه ویژه قانونگذار و حمایت حقوقی از کودکان در یکی از مهمترین اعمال حقوقی زندگیشان ضرورت و اهمیت می یابد و قانونگذار در بازنگری خویش، ناگزیر است به آسیب ها و تهدیدات ناشی از ازدواج کودکان و پدیده «کودک همسری» نگاهی ویژه داشته باشد.

«کودک همسری» از حیث حقوقی در بیشتر موارد با آسیب ها، مشکلات و تهدیدات بسیاری از جمله موارد زیر همراه است: جدایی «کودک همسری» از والدین و خانواده، ممانعت از حق تحصیل کودک همسران، تعهد کودک (پسر) به تأدیه نفقه و به تبع آن تعهد به اشتغال و کسب درآمد برای امرار معاش خانواده، تعهد کودک



دختر) به تمکین بدون قید و شرط با شرایط یاد شده در قانون و تعهد خانه داری، بارداری و فرزند پروری، تهدیدات و خطرات ناشی از خشونت خانگی و ضرب و شتم و جراحی کودک همسران، فقدان حمایت های حقوقی از کودک همسران ناشی از عدم دانش، عدم توان و عدم اهلیت قانونی آنان برای طرح دعاوی ناشی از زوجیت از جمله در: دعاوی نفقه، دعاوی مهریه، دعاوی طلاق، دعاوی توهین و ضرب و شتم، دعاوی اخذ شناسنامه فرزند، دعاوی مطالبه سهم الارث خود یا فرزند، درخواست قیمومیت فرزند (کودکی قیم دیگر شود!)، دعاوی حضانت و سایر دعاوی یا اعمال حقوقی مرتبط یا ناشی از زوجیت و... .

همچنین «کودک همسری» از جهات غیر حقوقی اعم از اجتماعی، پزشکی، روانشناسی و... نیز با آسیب ها و تهدیدات بسیاری ممکن است مواجه شود که با توجه به دیدگاه های کارشناسان مربوطه، برخی از این موارد به قرار زیر است: جدایی ناگهانی کودکان از دنیای کودکان و دوستان، ناتوانی جسمی دختران برای مادر شدن و مشکلات زایمان های سخت و زود هنگام، افزایش سقط جنین، افزایش شمار نوزادان کم وزن، نارس، دارای سوء تغذیه و...، ناتوانی «کودک مادران» و «کودک پدران» در نگهداری و تربیت فرزند، شمار بالای طلاق های زود هنگام و یا طلاق های عاطفی پس از افزایش سن، عدم آگاهی از بهداشت باروری و تنظیم خانواده، شیوع اختلالات خلقی از جمله افسردگی، اختلالات اضطرابی، وسواس و اختلالات پانیک، فقدان رسیدن به استقلال شخصی و بلوغ فکری، از دست دادن حمایت خانواده، از دست دادن آزادی تعامل با همسالان و مشارکت در فعالیت های اجتماعی، طی کردن ناقص مراحل رشد جنسی، روانی، اجتماعی و...، افزایش آسیب پذیری در برابر انزوای اجتماعی و... .

بر مبنای قانون اساسی، دولت (به معنای حاکمیت) موظف شده است که از نهاد خانواده و به تبع آن از کودکان به عنوان بخشی از این نهاد، حمایت کند (مقدمه و اصل دهم قانون اساسی). مطابق ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک (که ایران نیز به آن ملحق شده)، کشورهای عضو متعهد شده اند حق ذاتی هر کودک برای زندگی را به رسمیت شناخته و حداکثر امکانات را برای بقا و پیشرفت کودک تضمین نمایند و به موجب ماده ۹ همین کنوانسیون نیز این کشورها باید تضمین نمایند کودکان علیرغم خواسته شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات ذیصلاح مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسی های قضایی مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است.

با این اوصاف، اجازه ازدواج کودکان در بسیاری موارد با جدایی آنان از خانواده و والدین و دوستان و آشنایان و ممانعت از تحصیل و سایر آسیب ها و تهدیداتی که بیان

شد ممکن است همراه باشد.

اگر تهدیدات و آسیب‌هایی که برای ازدواج کودکان بیان می‌شود، واقعیت داشته باشد - که در بسیاری موارد واقعیت دارد-؛ تردید نباید کرد که مرزهای «کودک همسری» به کودک آزاری و خشونت علیه کودکان نزدیک شده است! چه اینکه کودک آزاری عبارت است از: «آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا افراد دیگر که نسبت به او مسئول هستند» و لذا هرگونه رفتار یا نارسایی که منجر به صدمات و آسیب‌های روحی یا جسمی، آزارهای جنسی یا استثمار کودک و... شود، از سوی هر شخصی اعم از والدین یا سرپرست کودک و با هر نامی (هرچند نام ازدواج) انجام شود، می‌تواند کودک آزاری و خشونت علیه کودکان به شمار رود.

در جایی که برای بسیاری امور مانند: اشتغال به کار زیان آور یا کار نامناسب برای اخلاق طفل، انعقاد قرارداد، تصرف در دارایی شخصی، درخواست تابعیت، گواهینامه رانندگی، دریافت گذرنامه، رأی دادن و... کودکان (افراد کمتر از ۱۸ سال) راه ورود ندارند، چگونه می‌توان برای ازدواج که اهمیت به مراتب بالاتری دارد و تن و روان انسان و همه هویت، شخصیت و سرنوشت انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سن ۱۳ سال و ۱۵ سال و حتی سن کمتر از آن را (با مشارکت ولی طفل) مجاز و متصور دانست!!؟

با توجه به تغییر باورها و واقعیت‌های جامعه، در بسیاری از شهرها و مناطق ایران ازدواج طفلی ۱۳ تا ۱۵ ساله یا کمتر از آن می‌تواند از اسباب جریحه دار کردن احساسات جامعه و مغایر با اخلاق حسنه و در نتیجه از مصادیق بارز مخالفت با نظم عمومی و در نتیجه باطل به شمار آید (ماده ۹۷۵ ق.م.ا). از همین رو دادستان‌ها به عنوان مدعی‌العموم و حافظان نظم عمومی می‌توانند وارد شده و ممانعت نمایند چنانکه تا کنون نیز در بسیاری موارد وارد شده و جلوگیری کرده‌اند.

همه آنچه گفته شد، نشان می‌دهد شیوه قانونگذار در سال ۱۳۱۳ به مصالح اجتماعی نزدیک تر بوده است. بدین ترتیب، در بررسی طرح اصلاحی ماده ۱۰۴۱ ق.م.ا، بیش و پیش از آنکه به سن بلوغ توجه شود، باید به «قابلیت صحی برای ازدواج» (اعم از قابلیت جسمی، روانی، اجتماعی و...) توجه شود. بنابراین و با عنایت به لزوم رعایت مصالح حقوقی، اجتماعی، اخلاقی و...، که بازنگری ماده یاد شده را اجتناب ناپذیر کرده است، در صورتی که عدول از ملاک سن بلوغ از سوی فقهای شورای نگهبان (به استناد نظر مشهور فقها) مورد مخالفت قرار گیرد، به نظر می‌رسد موضوع از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام باید دنبال شود. بنابراین؛ همانگونه که مجمع تشخیص

مصلحت نظام در خصوص قانون کار، مصالح عمومی و اجتماعی را بر اصل حاکمیت اراده ترجیح داد و قرارداد خصوصی کار را از حیطة حقوق خصوصی به حیطة حقوق عمومی نزدیک کرد، اینک نیز رعایت مصالح اعم از لزوم حمایت از حقوق اساسی کودکان، حمایت از نهاد خانواده، حمایت از نظم عمومی و اخلاق حسنه و... اقتضا می کند نگاه مصلحت اندیشی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام بر نگاه سنتی و منطقی شورای نگهبان ترجیح داده شود و بدین ترتیب، موضوع ازدواج کودکان نیز از افراط و تفریط های گذشته رهایی یابد.

سردبیر